

که بر این شهر ها ریخته می شوند، حتی قبل از جنگ، فقط حرص و ولع به غارتگری را در تعرض به عراق به نمایش نمی گذارد، حکایت از ناتوانی اقتصاد آمریکا در ادامه حیات خود، بدون این قبیل تجاوزات به منابع ثروت ملت های دیگر دارد.

انگلیس اراده می نمود به قیمت کشتار و غارت و ویرانی، بالاخره به تسخیر در می آمد و تحت نظر دولت انگلیس اداره می شد. درست به همین شیوه ای که هم اکنون بوش و شرکا در کاخ سفید در صدد پیاده کردن نقشه های خود در عراق هستند. در اوج این دوره آفتاب

عراق

اولین مستعمره قرن بیست و یکم

ادامه از صفحه ۱

انسانی آن ها را با سازماندهی کمک های انسانی بزداید و آمریکائی ها با خیال راحت منابع طبیعی آن را به حراج بگذارند.

دولت جرج بوش که به بهانه خطر سلاح های کشتار دسته جمعی صدام، حمله به عراق را سازمان داد و ادامه کار بازرسان سازمان ملل را منتفی ساخت، تاکنون نه فقط سلاح کشتار جمعی پیدانکرده است، از شروع به کار مجدد بازرسان سازمان ملل نیز جلوگیری کرده، اعلام نموده است که برای دست و پا کردن اسناد جعلی برای اثبات ادعاهایش تیم هزار نفره ای از کارشناسان آمریکائی را به عراق اعزام می کند. جرج بوش و شرکا دیگر کتمان نمی کنند که به هیچ قانونی جز قانون جنگل، حق تسلط قوی بر ضعیف، پایبند نیستند. هیچ قانونی جز قانون منافع خود را به رسمیت نمی شناسند و با اتکا به چنین حقانیت مسلم برای خود نیز هیچ مرزی در جنایت علیه ملت عراق قائل نیستند. برای "آزاد" نمودن عراق و "رهائی" مردم آن از "دیکتاتور" عراق را با بمب زیر و رو نموده اند. سیستم برق رسانی و آب رسانی را ویران ساخته اند. شهر ها را در تاریکی و بی آبی رها ساخته و آزادی و امنیت را برای غارتگران شهر های میلیونی عراق فراهم نموده اند، تا موزه ها و کتابخانه ها و بانک ها و انبارهای آذوقه و دفاتر وزارت خانه ها و مرکز اسناد کشور، همه را در پیش چشم فاتحان غارت کنند. البته به جز وزارت نفت، ارتش فاتح همه جای عراق را به دست غارتگران و باند های سازمانیافته سپرده است تا تاریخ دیرین یک ملت را از حافظه ها محو نمایند. استعمارگران جدید ملتی بدون تاریخ و بدون هویت و حافظه می خواهند. آن ها عراق را در صدام خلاصه کرده اند تا بعد از صدام بعنوان قهرمان رهائی از صدام جلوه گر شوند و جنایت بزرگ خود علیه ملت عراق را توجیه نمایند.

آمریکائی ها با اشغال عراق صفحه دیگری در تاریخ جهان گشوده اند، صفحه سیاهی که چندان جدید نیست، اما تقلا برای بازگشت دادن جهان کنونی به دوران سیاهی است که مشخصه آن اشغال کشورهای دیگر توسط قدرت های بزرگ اروپائی به نام "تمدن" و استعمار و به بندگی کشیدن آن ها بود. چند قرن پیش نیز قدرت توپخانه ها و ناوگان دولت های استعمارگر و در رأس همه دولت انگلیس شکست ناپذیر جلوه می کرد. هر کشوری که ارتش اعلیحضرت پادشاه



جامعه بین المللی از قرن استعمار فاصله زیادی گرفته است و بازگشت دادن انسان ها به دوران های سپری شده، با توسل به پیشرفته ترین زرادخانه ها هم امکانپذیر نیست و تلاش آمریکا در ادامه این سیاست آزمندانه و تجاوزگرانه علیرغم پیروزی های آسان بمب های هدایت شونده بر دولت عصر حجر طالبان در افغانستان و دیکتاتوری پوسیده صدام در بغداد، به ویتنامی بمراتب شکننده تر در برابر اراده

تک تک مردم مناطق تحت اشغال آمریکا منتهی خواهد شد و غرور موفقیت های آسان در جنگ های آمریکا علیه ارتش های عقب مانده دیکتاتورهای جهان سومی، در شعله های خشم ضدیت با تجاوزات آمریکا در سراسر جهان به حقارتی ابدی تبدیل خواهد شد.

امامین جنگ علیه عراق کافی بود که همه افکار عمومی جهان و تمامی جنبش ها، احزاب، نهاد ها و شخصیت های مترقی جهان را علیه سیاست های تجاوزگرانه و نقشه های امپریالیستی آمریکا برانگیخته و متحد سازد و دول متحد آمریکا را از همراهی با این سیاست ها باز دارد. بشریت قرن ها با استعمار جنگیده و آن را به تاریخ سپرده است. بازسازی نقشه های استعماری در کاخ سفید آمریکا، نه نشاندهنده قدرت بوش و مردان جنگ و غارت او، بلکه عقب ماندگی و حقارت رهبران بزرگ ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان و بازگشت آن ها به شیوه های امپریالیستی کهن است.

جامعه بین المللی از قرن استعمار فاصله زیادی گرفته است و بازگشت دادن انسان ها به دوران های سپری شده، با توسل به پیشرفته ترین زرادخانه ها هم امکانپذیر نیست و تلاش آمریکا در ادامه این سیاست آزمندانه و تجاوزگرانه، علیرغم پیروزی های آسان بمب های هدایت شونده بر دولت عصر حجر طالبان در افغانستان و دیکتاتوری پوسیده صدام در بغداد، به ویتنامی بمراتب شکننده تر در برابر اراده تک تک مردم مناطق تحت اشغال آمریکا منتهی خواهد شد و غرور موفقیت های آسان در جنگ های آمریکا علیه ارتش های عقب مانده دیکتاتورهای جهان سومی، در شعله های خشم ضدیت با تجاوزات آمریکا در سراسر جهان به حقارتی ابدی تبدیل خواهد شد.

در مستعمرات انگلیس غروب نمی کرد. ایالات متحده هم جزو همین مستعمرات بود. اکنون جهان با دو واقعیت مواجه است. با تلاش برای تبدیل نمودن عراق به اولین مستعمره در آستانه هزاره سوم و برآمد آشکار دولت آمریکا با عنوان رسمی یک استعمارگر جدید. آن چه که به عراق مربوط می شود، اشغال عراق هنوز اول کار است. مردم عراق هنوز خاطره های مبارزه با استعمارگران انگلیس را در ذهن خود دارند. شروع اعتراضات علیه اشغال خارجی از همان روز های نخست نشان داد که این اشغال برخلاف تبلیغات بلندگوهای متعدد دولت اشغالگر با استقبال چندانی مواجه نبوده است. برعکس، از همان روز نخست در برابر آن مقاومت شکل گرفته است و شلیک سربازان آمریکائی به تظاهرات مردم علیه اشغال هم تغییری در این واقعیت نخواهد داد.

اما برآمد آمریکا به عنوان استعمارگر جدید بیش از آن که بیان قدرت باشد، بیانگر ناتوانی بزرگ ترین دولت جهان در ادامه حیات در چارچوب موازین پذیرفته شده بین المللی و تلاش برای حفظ موقعیت امروز خود با توسل به قدرت برتر نظامی و غارت کشور های ضعیف و فقیر جهان است. تعجیل آمریکائی ها در واگذاری بازسازی شهر ها و اداره بنادر عراق به شرکت های مختلف آمریکائی و چه بسا شرکت های تولید کننده بمب های مخربی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران